

# ۱۹ بهمن

**گرامی باد ۱۹ بهمن، سی و هشتمین سالگرد  
رستاخیز سیاهکل، سرآغاز جنبش مسلحانه و ۲۱  
و ۲۲ بهمن سی آمین سالگرد قیام پرشکوه  
خلقهای قهرمان ایران بر علیه سلطه  
امپریالیسم و سگهای زنجیریش!**

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۷۵ - ۱۵ بهمن ۱۳۸۷

در چنین اوضاع و احوالی روز پنجشنبه ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹ میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار تحت ستم در فرانسه، پاریس و ده ها شهر دیگر این کشور را به صحنه اعتصاب و اعتراض بر علیه سیستم ضد خلقی سرمایه داری و دولت امپریالیستی فرانسه تبدیل کردند. در جریان حرکات گسترده توده ای که باعث شد از این روز به عنوان "پنجشنبه سیاه" یاد شود، بیش از ۲/۵ میلیون تن از کارگران بخشهای مختلف اقتصادی، معلمان، کارمندان بازنشسته، کارکنان بخش خدمات عمومی و روزنامه نگاران شرکت کرده و ضمن محکوم کردن سیاستهای ضد خلقی دولت سرکوزی به وضعیت وخامت بار کار و معیشت خود اعتراض کردند. این اعتراضات توسط ۸ اتحادیه بزرگ کارگری سازمان یافت و حتی مطابق اخبار خود دستگاه تبلیغاتی وابسته به دولت فرانسه که معمولاً گوشه ای از حقایق را منعکس می کنند، بیش از دوسوم مردم فرانسه از این اعتصاب و اعتراض حمایت کردند. در نتیجه قدرت نمایی توده های معترض فرانسوی، سیستم حمل و نقل، هواپیمایی، پست، آموزش و پرورش و سایر بخشهای خدماتی تقریباً فلج شد و این امر خشم مقامات دولت امپریالیستی فرانسه و سایر مرتجعین را بشدت برانگیخت؛ تا جایی که وزیر دارایی فرانسه در وحشت از تداوم و تکرار این اعتراضات با "محکوم" کردن حرکات عادلانه مردم فرانسه، تظاهر کنندگان را به "ایجاد وحشت" در جامعه متهم ساخت و بطور مسخره ای مدعی شد که برای نشان دادن خشم و نارضایتی از سیاستهای استثمارگرانه و ضد خلقی دولت فرانسه "راه های دیگری" نیز وجود دارند!

از زمره خواسته های اصلی تظاهر کنندگان در "پنجشنبه سیاه" فرانسه، توقف برنامه های اقتصادی دولت سرکوزی در حمایت از منافع سرمایه داران بزرگ، توقف اخراج های گسترده کارگری و تمرکز برای حل مشکلات اقتصادی وحشتناک گریبانگیر توده های تحت ستم بود.

اعتراضات وسیعی که در روز ۲۹ ژانویه تقریباً سراسر فرانسه را درنوردید نه تنها شدت خشم و تنفر مردم فرانسه از وضعیت وخامت باری را منعکس نمود که نظام سرمایه داری و گردانندگان آن برای میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان فرانسه ایجاد کرده اند، بلکه پتانسیل مبارزاتی والایی که توده های فرانسوی در این حرکت یکپارچه و متحدانه خود به نمایش گذاردند را آشکار نمود که خود نوید بخش رشد و اعتلای مبارزات آینده می باشد.

## کارگران مبارز با اعتراضات متحدانه

## خویش، فرانسه را تعطیل کردند!



با شدت یابی بحران اقتصادی ای که امروز نظام سرمایه داری در سطح جهانی را فرا گرفته، در ماه های اخیر شاهد موج وسیعی از اعتراضات و اعتصابات رادیکال توده ای در بسیاری از کشورهای اروپایی بوده ایم که آن را باید پاسخی به بحران موجود و یکی از تجلیات آن دانست. بدنال شورهای قهرمانانه توده ای در یونان که با مشارکت گسترده کارگران مبارز این کشور همراه بود و متعاقب اعتصابات بزرگ کارگری که در اعتراض به سیاستهای اقتصادی ضد مردمی دولت های ایتالیا، اسپانیا و ایسلند روی داد، فرانسه نیز شاهد بزرگترین موج اعتراضی طبقه کارگر و توده های زحمتکش این کشور در ماه ژانویه بود. این اعتصابات در شرایطی به وقوع پیوست که در نتیجه بحران فزاینده اقتصادی هم اکنون سرمایه داران زالو صفت و کارفرمایان با یورش به سطح زندگی و معاش و کار کارگران موجی از بیکار سازیهای گسترده در بخشهای صنعتی و خدماتی و کاستن از بودجه های رفاهی را به منظور جبران ضررهای خود به راه انداخته اند. با تداوم رکود کنونی پیش بینی می شود که نرخ رسمی بیکاری در سال ۲۰۱۰ به رقم چشمگیر بیش از ۱۰ درصد برسد. اقتصاد فرانسه از بعد از جنگ جهانی دوم با چنین بیماری و رکودی روبرو نبوده است.



ها را آمریکا ساخته و به اسرائیل فروخته است". سازمان ملل متحد نیز تایید کرده است که در حمله اسرائیل به مدرسه ای که صدها غیر نظامی در آن پناه گرفته بودند و همچنین در حمله علیه مقر اصلی این سازمان در شهر غزه فسفر سفید استفاده شده است.

شواهد دیگری نیز در دست است که بر خلاف تکذیب های اسرائیل، گواهی می دهند که در جریان حمله وحشیانه ۲۲ روزه اسرائیل به مردم ستمدیده غزه علاوه بر آن که صدها تن از مردم بی دفاع فلسطین بر اثر بمباران های ارتش اسرائیل جان باختند، تعداد زیادی هم بر اثر فسفر سفید جان خود را از دست دادند. برای نمونه می توان به گفته های صباح ابو حلیمه، مادری که تمامی خانواده اش را در این حملات از دست داده استناد نمود. این مادر با درد فراوان از مرگ فرزند ۱۴ ساله خود صحبت می کند که بر اثر استفاده از فسفر سفید سرش از تنش جدا شده بود. او همچنین مرگ نوزادش که در آغوشش جان می سپرد را با درد باز گو میکند و می گوید: **"آتش بود و بعد دود سفیدی (دیده شد). موشک بچه هایم را از بین برد. عروسم در پیش رویم سوخت و مرد."**

مردم جهان فراموش نکرده اند که دولت آمریکا که این سلاح شیمیایی را در اختیار اسرائیل قرار داده خود با استفاده از همین مواد دهها تن از مردم فلوجا را در عراق به کام مرگی دردناک فرستاد. بنابراین جای تعجب نیست که علیرغم معاهدات بین المللی، این بار نیز ارتش جنایتکار اسرائیل، این بازوی نظامی امپریالیسم در خاور میانه به دنباله روی از ارباب خود با استفاده از ماده شیمیایی فسفر سفید در جنگ بر علیه مردم غزه، شمای دیگر از درنده خویی خود را در کنار سایر جنایاتش به نمایش گذاشته است.



بر اساس گزارش خبرگزاریهای مختلف، ارتش اسرائیل در حملات وحشیانه اخیر خود بر علیه مردم غزه از فسفر سفید استفاده کرده است. فسفر سفید هنگام تماس با موجودات زنده، گوشت و پوست را تا سر حد استخوان می سوزاند و تنفس گاز آن باعث تورم و خونریزی مجرای تنفسی شده و منجر به مرگ دردناکی میشود. در شرایطی که استفاده از فسفر سفید نقض آشکار قوانین و معاهدات سازمان ملل می باشد، مطابق همین گزارشات، سلاحهای حاوی این ماده کشنده از سوی دولت آمریکا در اختیار جنایتکاران اسرائیلی قرار داده شده اند.

هرچند دولت اسرائیل استفاده از فسفر سفید را در تهاجمات وحشیانه خود به مردم بی دفاع غزه انکار می کند، اما مارک گارلاسکو، تحلیلگر ارشد نظامی در دیده بان حقوق بشر تاکید دارد که تمامی شواهد موجود نشانگر استفاده ارتش اسرائیل از فسفر سفید می باشد. او می گوید که "ام ۱۸۲۵" شماره ای است که آمریکاییها برای گلوله های حاوی فسفر سفید تعیین کرده اند. او با اشاره به گلوله تویی که منفجر نشده و همین شماره بر روی آن حک شده است، اضافه می کند: **"این گلوله"**

## رسوائی جدید سازمان جاسوسی سیا در الجزایر!

به دنبال شکایت دو زن الجزایری بر علیه یکی از ماموران سازمان "سیا"، نمونه دیگری از جنایات و اعمال ضد خلقی این سازمان، در افکار عمومی از پرده بیرون افتاد. در جریان شکایت دو زن نامبرده روشن شد که یکی از ماموران سفارت آمریکا در الجزایر به نام "آندرو وارن" ۴۱ ساله با دادن مواد مخدر به این دو زن و بی حس کردنشان، آنان را مورد اذیت و آزار جنسی قرار داده است.

به گزارش شبکه تلویزیونی "ای بی سی" در ۲۸ ژانویه "آندرو وارن" مامور ارشد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در الجزایر که رسماً مامور مبارزه با "القاعده" بوده است، در جریان دو مهمانی در سفارت آمریکا که به مناسبت های مختلف و در دو زمان مختلف برگزار شد، با این خانمها آشنا شده و هر بار یکی از آنها را به محل اقامت خود برده و با افزودن داروی مخدر (معروف به Date Rape دیت ریپ) به نوشیدنی آنها، آنان را بیهوش و مورد تجاوز جنسی قرار داده است. به دنبال شکایت آن دو زن و در جریان بازرسی از خانه مامور نامبرده، چندین نوار ویدئویی پورنوگرافی نیز کشف شد که نشان دهنده چندین مورد اذیت و آزار جنسی دیگر توسط وی بود. این مامور ارشد سیا قبلاً در مصر و پیش از آن نیز در افغانستان کار می کرده و ظاهراً از افسران مبارزه با "تروریسم" بوده است. با افشای واقعیت اخیر، بار دیگر نشان داده می شود که تجاوز و وحشیگری ماموران سیا تنها به بازداشتگاه ها و شکنجه گاه های دولت آمریکا محدود نبوده و آنها در هر موقعیتی -حتی در زمان ماموریتشان در مبارزه با باصطلاح تروریستها- نیز جلوه های جدیدی از اعمال ضد خلقی خود را به نمایش می گذارند. افشای این عمل ضد خلقی مامور سیا در الجزایر رسوائی جدیدی را بر پرونده اعمال تبهکارانه سازمان جاسوسی آمریکا افزوده و خشم و نفرت افکار عمومی در الجزایر را بر علیه دولت آمریکا هر چه بیشتر بر انگیزته است.



گرسنگی، فقر و شرایط طاقت فرسای زندگی آنهاست که جز از سلطه سیستم ظالمانه سرمایه داری ناشی نشده است.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که در دفاع و حراست از نظام بورژوازی وابسته و منافع سرمایه داران زانو صفت، خود عامل تشدید کننده فقر و فلاکت کودکان کار می باشد، در شرایطی که فریادهای دفاع از "مستضعفین" و "پا برهنگان" اش گوش فلک را کر می کند کوچکترین اقدامی نیز در جهت نجات جان و بهبود وضع کودکان نمی کند. در چارچوب نظام استثمارگرانه سرمایه داری، کار کودکان منبع درآمد بسیار سودآوری برای کارفرماها و سرمایه داران زانو صفت می باشد. زیرا در حالی که شدت استثمار آنان نیز وحشتناک می باشد، دستمزدی که به آنان پرداخت می شود بسیار ناچیز است.

شدت شرایط وخیم و رقت بار کار و زندگی کودکان معصوم تا آنجاست که حتی خود بوقهای تبلیغاتی نظام حاکم بارها با انعکاس گوشه های ناچیزی از شرایط هولناک زیست و معیشت آنان، از مشکل کودکان کار با عنوان یک "معضل اجتماعی" نام برده اند و از کارگزاران جمهوری اسلامی خواهان باصطلاح حل آن شده اند. اما چه انتظاری بیهوده تر از این که از یک سرمایه دار و دولت حامی آن خواسته شود که از منافع و سود ناشی از رنج و استثمار کودکان چشم ببوشد. زیرا اگر به ریشه ها و علل پیدایش این امر و معضلات اجتماعی دیگر مراجعه کنیم و شناختی درست از دستگاه رژیم حاکم و نظام سیاسی و اقتصادی آن داشته باشیم، می توانیم به سادگی در پاییم که در چنین نظامهای استثمارگرانه ای پدیده هایی نظیر کودکان کار جزء جدایی ناپذیر سیستم ضد خلقی موجود هستند. در نتیجه در ادامه حاکمیت سرمایه داری در ایران ما تنها شاهد افزایش کودکان کار و گسترش هر چه بیشتر چنین معضلات دردآوری خواهیم بود. واقعیت این است که معضل کودکان کار و خیابان از سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران زاده شده و در چارچوب نظام موجود، راه حل واقعی برای آن وجود ندارد. به همین خاطر است که برای حمایت جدی از کودکان و جلوگیری از گسترش آسیب های ناشی از کار کودکان، هیچ راهی جز نابودی سیستمی که شرایط تولید و بازتولید این معضل را فراهم می کند وجود ندارد.



فقر ناشی از سیستم سرمایه داری چهره ی خود را در قالبهای مختلفی به نمایش می گذارد که یکی از آنها پدیده کودکان کار و خیابانی در سطح کل جهان می باشد. اینها همان کودکانی هستند که به دلیل فقر خانواده هایشان بجای رفتن به مدرسه مجبورند ساعتها درخیابانهای شلوغ و آلوده شهرهای بزرگ به دست فروشی و یا انجام کارهای پست بپردازند. سهم این کودکان در تامین نیازهای اقتصادی خانواده تعیین کننده است. اما عواقب اجتماعی که این کودکان بی گناه و زحمت کش را بخاطر موقعیت اقتصادی شان در این جوامع تهدید می کند، اکثراً دهشتناک و غیر قابل پیشگیریست. براساس آمارهای غیر رسمی در ایران امروز تحت حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی بیش از یک میلیون کودک خیابانی وجود دارد که هرروزه در معرض شدیدترین آسیب های اجتماعی قرار دارند. علاوه بر ناراحتی ها و بیماری هایی که در اثر حضور مداوم این کودکان در کنار خیابان های شلوغ و آلوده و پر سرو صدا وجود دارد، خطر تجاوز، قتل، تن فروشی و اعتیاد نیز آنان را تهدید می کند. آنچه بسیاری از پدر و مادرها را وا می دارد تا برای تامین لقمه ای نان، جگرگوشه های خود را به چنین محیط های ناامنی بفرستند و حسرت درس و تحصیل کودکانشان را در دل خود حمل کنند، همانا

## تنبیه بدنی زنان کارگر در کارخانه پارچه بافی بنگلادش

### و مبارزه بر علیه آن

تشدید استثمار و سرکوب کارگران در بنگلادش توسط سرمایه داران و دولت حامی آنان هر روز اشکال جدید و گسترده تری به خود می گیرد. یکی از وحشیانه ترین اعمال ضد خلقی ای که اخیراً به کار گیری آن بر علیه کارگران زحمتکش بنگلادش گسترش هر چه بیشتری یافته است، تنبیه بدنی کارگران و بویژه کارگران زن توسط کارفرمایان زانو صفت می باشد. این عمل ضد خلقی که یادآور قوانین کثیف دوران برده داری است اخیراً ابعاد هر چه بیشتری یافته و به یکی از مسایل و معضلات کارگران تبدیل گشته است، امری که موجی از اعتراضات و مبارزات کارگران ستمدیده و آگاه بنگلادش را موجب شده است.

در ۱۱ ژانویه بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران کارخانه پارچه بافی "پالمال" در اعتراض به مدیر کارخانه که همیشه زنان کارگر را به بهانه های مختلف کتک میزند، دست به اعتراض زده و به دفتر کار مدیر کارخانه حمله کردند. در جریان این حرکت مدیر کارخانه به سمت اداره پلیس فرار کرد و کارگران او را دنبال کردند. کارگران در مقابل اداره پلیس (که مدیر کارخانه در آنجا پناه گرفته بود) اجتماع کرده و به تظاهرات پرداخته و خواهان محاکمه مدیر کارخانه شدند. برخی از کارگران معترض برای رساندن صدای اعتراض خود به مردم، یکی از اتوبان ها را نیز مسدود کرده و موضوع را برای رانندگانی که توقف می کردند، توضیح می دادند. حرکت اعتراضی کارگران ادامه یافت و سرانجام پس از آنکه رئیس پلیس و مقامات کارخانه قول دادند که مدیر مزبور اخراج خواهد شد، کارگرها به کارخانه بازگشتند.

## فتوای شرعی در حمایت از

### ازدواج دختران کم سن و سال

اخیراً در واکنش به بالاگرفتن اعتراض و خشم افکار عمومی نسبت به گسترش ازدواج دختران زیر ده سال در عربستان سعودی، "شیخ عبدالعزیز الشیخ" مفتی عربستان سعودی رسماً اعلام کرد که از نظر شرعی مانعی برای ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال وجود ندارد! این شیخ ردل به این امر اکتفا نکرده و حتی از خانواده ها خواست تا دختران زیر ۱۰ سالشان را به ازدواج ترغیب کند.

فتوای شیخ مزبور با مخالفت شدید نهاد های مدافع حقوق زنان که معتقدند ازدواج در سنین بانین، زندگی چنین کودکانی را تباه می سازد مواجه گردیده است. نهادهای مزبور که قربانیان این عمل غیر انسانی را حمایت می کنند، معتقدند که ازدواج دختران زیر ۱۰ سال باعث از میان رفتن حس امنیت در آنها شده و تمامی امتیازات یک انسان را از آنها می گیرد، همچنین ازدواج در چنین سنی، باعث می شود این کودکان در آینده، زندگی نوام با مشکلات روحی و روانی داشته باشند و به یک افسردگی مزمن دچار شوند. به دلیل حمایت دولت مزدور عربستان از قوانین ارتجاعی اسلامی و تابیداین نوع ازدواج، موانعی جدی در مقابله با این عمل غیر انسانی در این کشور وجود ندارد.



## گسترش روز افزون فقر و گرسنگی و مرگ کارگران



به گزارش خبرگزاری مهر در سال گذشته تنها در خیابانهای تهران ۲۲ نفر بر اثر گرسنگی جان داده اند و مقامات رژیم با وقاحت تمام تاکید می کنند که در سال جاری شاهد افزایش این آمار خواهیم بود.

تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته ایران، هر روز تعداد بیشتری از کارگران و افشار زحمتکش و بی چیز جامعه، به خیل میلیونها تن از کارگرانی می پیوندند که برغم کار طاقت فرسا، در زیر خط فقر زندگی کرده و حتی از سیر کردن شکم خود و خانواده خویش نیز عاجزند. رشد روزافزون تورم و گرانی، بیکاری و بی خانمانی در بین زحمتکش ترین و فقیر ترین آحاد جامعه که نتیجه مستقیم سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه و سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است، باعث شده که حیات و معاش کارگران و زحمتکشان با سرعت هر چه بیشتری در گرداب فقر و فلاکت فرو رود. واقعیتی که هر روز جان تعداد بیشتری از انسانهای شریف و بیگناه را می گیرد و آنان را از زور گرسنگی به کام مرگ می کشاند.

اخیرا عباس وطن پرور، دبیر شورای هماهنگی کارفرمایان کشور نیز با اعتراف به بالا رفتن خط فقر در جامعه تایید کرد که کارگران نخستین قربانیان چنین اوضاع دهشتناکی می باشند. وی با عنوان کردن این که "خط فقر در شهرها ۷۸۰ هزار تومان در ماه می باشد"، اضافه نمود که "در چنین شرایطی حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری ماهانه ۲۲۰ هزار تومان تعیین شده است". مقایسه این دو عدد بروشنی نشان می دهد که "اکثریت کارگران کشور" با فاصله بسیار چشمگیری "در زیر خط فقر" زندگی می کنند.



## براندازی نرم!

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت اطلاعات

دنبال اعتراضاتی که اخیرا به دستگیری ۲ پزشک توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ابراز شد، مقامات وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در یک نشست خبری اعلام کردند که چهار نفر را به اتهام مشارکت در «پروژه براندازی نرم» دستگیر کرده اند و به زودی برنامه اعتراضات بازداشت شدگان از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی به اطلاع همگان خواهد رسید. بنا به گفته مقامات وزارت اطلاعات، آرش و کامیار علانی، دو برادر پزشک که در زمینه پیشگیری از بیماری ایدز فعالیت می کردند از جمله متهمان این پرونده هستند که دستگیر شده اند. به دنبال اعلام این خبر قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز بازداشت شدگان را به داشتن مشکلات "اخلاقی و مالی" و "سوءاستفاده از تجهیزات پزشکی" متهم کرده است. اخیرا جنایتکاران حاکم فعالان جنبش های اجتماعی از جمله کارگران، دانشجویان، معلمان و زنان را به اتهام "براندازی نرم" بازداشت و در سیاهچالهای خود زیر شکنجه های سخت "قرار می دهند.

کاربرد اتهام "براندازی نرم" بر علیه مخالفان در شرایطی اتفاق می افتد که دیکتاتوری حاکم بطور روزمره با موج گسترده ای از مبارزات و اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و خلقهای ستمدیده روبروست که خواهان ابتدائی ترین حقوق خود می باشند. گردانندگان حکومت درست در مقابله با این جنبش هاست که بارها اعلام کرده اند که با این اعتراضات به مثابه "تهدید امنیتی" برای نظام ضد خلقی شان مقابله خواهند کرد. در چنین چارچوبی است که مقامات جمهوری اسلامی می کوشند تا بر کوچکترین ناراضی و مخالفت حتی صغی و غیر سیاسی توده های تحت ستم، مارک تلاش برای "براندازی" نظام بزنند تا به این وسیله دست ماشین سرکوب خویش را برای تشدید سرکوب اعتراضات توده ای و گسترش خفقان و ارباب در سطح جامعه هر چه بیشتر باز کنند.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

[jofq@hotmail.com](mailto:jofq@hotmail.com)

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد کمونیزم!

